



۲۰۱۸/۰۸/۳۰

محمد ولی آریا

## گذری بر فراز های تاریخ مردم افغانستان ریگ ویدا، مظهر نیروی تفکر آریائی های کهن

قسمت چهارم

شیوه دیگری که میتوان پویائی سرودهای ریگ ودا و سایر سرودهای کهن آریائی را بر سرزمین کنونی افغانستان پیاده کرد آنست که پیوند این منظومه هارا نه تنها بر این خطه تاریخی، بلکه در رابطه با باشندگان باستانی این دیار دریافت. «وی وین دوسن مارتین» فرانسوی در اثر خویش «مطالعات جغرافیائی و ساکنین اولیه شمال غرب هند» به استناد «سرود های ویدی» و «نری پندارا کومار دت» در کتاب خود، «آریائی ساختن هند»، هردو به گونه هائی به این نتیجه رسیده اند که یکی از مهمترین قبایل آریائی قبیله «بهاراته» است که «کشتری» یا جنگ جویان آریائی از آن بر خاسته اند. «واله دوپوسن» فرانسوی آنها را شاخه ای از آریائی های باختری می شناسد که بعد از فرود آمدن در جنوب هندو کش، برخی از راه وادی ارغنداب و برخی از طریق دره های «کوبها» و «کرومو» و «گوماتی» به پنجاب و ماورای «سند هو» رسیده اند. از آن آنجا که «بهاراته» قبیله نیرومند و مقتدری بود (هند) را به نام خویش مسمی ساخت و بر وزن «آریا ورته» که نامی مانوس برای ایشان بود، این سر زمین جدید را «بهاراته ورته» یا «بهاراته ورشه» خواندند، زیرا آریائی های کهن سرزمین خویش را چنین می خواندند، و این اسم در ادبیات هند منحیث اسم ملی آن شهرت دارد.

«مهابارته» بزرگترین مجموعه رزمی در تجلیل از جنگجویی قبایل و عشایر مختلف و پهلوانان نامی آریائی است که در حقیقت ادامه ریگ ودا و سایر وید ها می باشد و به زمان ما نزدیک تر می شود و منحیث مأخذ بسیار مهمی در روشن ساختن هویت و موقعیت مردمان باستانی سر زمین ما کمک شایان می کند.

«پانی نی» دانشمند بزرگ صرف و نحو که در قرن چهارم ق م در حصص شرقی آریانا در مجرای سفلی رودخانه کابل در حوالی اتک می زیست و موجد کلمه «سانسکریت» برای زبان «بهشه» می باشد، در صرف و نحو خود قبایل «کشودراکا» و «مالاوا» را در جمله «بلهیکه» یعنی بلخی ها حساب می کند و «بودهیا» و «ارجونایا» را که با «مالاواها» قرابت نزدیک داشتند نیز از جمله آن عشایر به حساب می آورد.

ریگ ودا در تذکار قبایل آریائی از «پنکه جانا» (پنج قبیله) «انو»، «دریوهو»، «یادو»، «تورواشا» و «پورو»، نام می برد که افراد آن همه در جنگ ده ملک یا ده قبیله با قبایل «پکتها، پکتویس، پارت» یعنی پختون ها، «الینا» یعنی نورستانی ها و دیگر قبایل شامل بودند که «جبهه بهاراته» از اشتراک آنها نیرومند تر گشته بود.

سرودهای ریگ ودا از دو جنگ معروف یاد می کند که در هر دو جنگ نقش قبایل آریائی که باشندگان سرزمین کنونی ما هستند مشهود است. یکی از این جنگ ها درحوزه سراسوتی (هراویتی یا ارغنداب) مشخص شده و دیگری که به نام جنگ ده ملک خوانده شده از اهمیت بیشتری در معرفی قبایل در گیر آن، برخوردار است.

این جنگ در اثر عزل یکی از ریشی های مقتدر و معروف به نام «ویسوامیترا» از قبیله بهاراته توسط پادشاه قبیله به نام «سوداس» پسر «دیووداسا» بوقوع پیوست. در نتیجه جنگ های سختی بین قبیله «ویسوامیترا» و قبیله ریشی جانشین وی «واسیس تاس» و «سوداس» حکمروای قبیله رخ داد. چون ویسوامیترا با فصاحت بیان و تدبیر در میان قبایل مختلف نفوذ و دستی بالا داشت، توانست در این جنگ «پنکه جانا» (پنج قبیله) و یکتعداد قبایل بزرگ دیگر سرزمین های جنوب هندوکش را با خود یکدست کند که ریگ ودا این ده قبیله را به نامهای «پکتها یا پکتویس»، «پارت» (پشتون) ها، «الینا» (نورستانی) ها، «بهالانا» (باشندگان دره بولان)، «شیوا» (شیوکی ها یا اهالی قریب اندوس) «پورو» (ساکنین اندوس علیا و باشندگان حواشی گندهارا)، «انو» ها «دریوهو»، «تورواشا» و «یادوها» می شناسد. یکی از نتایج این جنگ آن بود که قبایل فوق از مهاجرت بیشتر به شرق باز ایستادند و باشندگاه دایمی سرزمین کنونی افغانستان را ساختند با آنکه در این جنگ جبهه «ویسوامیترا» در برابر «سوداس» شکست خورد. ریگ ویدا قوای «دیووداسا» را شکست نا پذیر می شناسد که در همه جنگ ها پیروز می گشت و توانست نود قلعه جنگی «سموارا» را ویران کند؛ اما با آنهمه در جنگی که در آن «آیو» و «کوتسا» و شاهان قبیله مقتدر «پورو» هم متحد او بودند در مقابل «تورویانا» پادشاه جوان پکتها شکست خورد که نشانه ای از دلیری و سلحشوری پکتها را به نمایش می گذارد.

یکی از منظومه چنین می گوید :

«.... بریگوس و دریوهوس بزودی گوش فرا دادند، در بین دو قبیله دور افتاده، دوست، دوست را نجات داد.

پکتها، بهالانا الیناها، شیوا ها، ویشانن ها باهم یکجا گرد آمدند. رفیق آریائی برای رهنمائی آنها نزد قبیله «تریسوس» آمد. این آمدن در اثر عشق به نبرد و محبت به جنگ دلیرانه بود.»

در سرود دیگر میخوانیم:

«سخن گوی خوش آیند در طوفان جنگ این ادعا را بر زبان راند تا جنگ را از «اسون ها» ببرند. هنگامی که کریم ترین ارباب انواع، والدین پکتها را نجات داد «هوتا های هفتگانه» را مورد حمله و هجوم قرار داد «شیاوانا» (پسر یکی از شعرای قدیم) به مقصد تقدیم تحائف فریبنده با ادویه زیاد، مذبوح را آماده ساخت، تورویانای خوش آواز ترین موجودات، مشروبات نذر را مانند سیلاب ریخت که زمین را زر خیز و شاداب کند.»

«بریسایا» قبیله دیگر است که سردو های ویدی از آن در جنگ های «دیووداسا» نام می برد و «هلبران» صحنه پیکار ایشان را اراکوزی می شناسد. این قبیله تا امروز در افسانه های محلی اراکوزی (قندهار) باقیست که اسم آن از زمان سرود های وید تا امروز تغییر نکرده که «س» آن در زبان پشتو به «خ» مبدل شده و امروز قبیله مذکور «بریخی» یاد می شود که «الف»

بعد از «س» و «ی» در کلمه ریگ وید از اختصاصات زبان سانسکریت است و چنین پنداشته می شود که این قبیله در موقعی که آریائی ها از حوزه اکسوس به وادی های جنوب آریانا منتشر می شدند در بین حوزه «هیتومنت» (هلمند) و «هرویتی» (ارغنداب) به زراعت و مالداری مشغول بوده اند.

اگرچه «جی پی تات» که راجع به تاریخ و توپوگرافی و خرابه های سیستان دارای تحقیقاتی است قبیله ایرا به نام «بریچ» در منطقه چخانسور و دلتای هلمند مجاور نادهلی می شناسد که اکنون در وادی هلمند در نقاطی موسوم به «لندی بریچی» و «پلاک» و غیره زندگی می کنند.

«الینا» ها یعنی نورستانی ها یکی دیگر از قبایل مهم آریائی در ریگ ویدا است که گوشه شمال شرقی آریانا و دره های صعب العبور و مرتفع هندوکش جنوبی را اشغال کرده اند که ما نام آنها را بارها در کنار پکتها و گندهاری ها در سرود های ریگ وید و در جنگ ده مللک می بینیم. از آنجائی که آنها در مناطق دشوار گذار کشور ما از قدیم زیسته اند روابط آنها با دگر قبایل محدود بوده است به همین علت، ممیزات، عرق، کلتور، عرف و عادات قدیم آریائی در میان آنها محفوظ مانده است. عده ای از محققین ایشان را و باشندگان روشن و شغنان و حصص دیگر بدخشان و پامیر را به نام «هوموالپینوس» یعنی آریائی های کوهی یاد می کنند و بعضی مدققین دیگر آنها را در قطار «دارد ها» می آورند که یکی دیگر از اقوام قدیم کشور ما بودند که در حاشیه شمال شرقی آریاورته سکونت داشتند که در علاقه های نورستان و چترال و داردستان زندگانی دارند که اینها غیر از «دادیک» ها یا «تاجیک» های میهن ما می باشند.

«واله دو پوسن» فرانسوی اظهار میدارد که از روی علایم چنین واضح میگردد که «دارد ها» یا «دارادها» از محل باستانی و قدیم خود کمتر شور خورده اند و همان است که زبان آنها بعضی کلمات ویدی را در خود حفظ کرده است

اگرچه «گریسن» زبان ایشان را «پیساکا» خوانده چه بسیار شبیه «پراکرتی» است که در کتب صرف و نحو هندی به نام «پیکاسا» معروف است ولی بصورت عموم اکثر محققین زبان آنها را «داردیک» میدانند. حال، که تا حدودی دانستیم مهاجرت های اولیه آریائی ها به جنوب و شرق چه سان به وقوع پیوسته است، لذا بصورت مشخص میتوان گفت که سرود های ریگ ویدا ها بیشتر در جنوب هندوکش تا حوزه سند سروده شده است به همین جهت است که ما در سرود های ویدی نشانی از آریائی های مهاجر از باختر به غرب آریانا را نمی یابیم، بدین مفهوم که این سرود ها از مردمان فارس و ماد (ایران کنونی) در غرب آریانا نشانی نمیدهند زیرا مهاجرین آریائی بعد از هجرت از باختر به دو شعبه منقسم شده اند که چون موج هائی، یکی ره جنوب هندوکش و شرق را پیش گرفته و موج های دیگری مجرای هری رود و هیر مند و فراه رود را نوردیده و به ماورای غربی دشت لوط پراکنده شده اند که از مهم ترین این قبایل «امادی» و «پارسوا» است. به همین سان ریگ ودا صرف یکبار از آنسوی سند به رود گنگا اشاره میکند. که چنین فهمیده می شود که مهد آفرینش سرود های ریگ وید از جنوب هندو کش تا ماورای سند است.

ادامه دارد

